

روش شناسی تربیتی امام هادی علیه السلام

سمیه شریفی^۱ - طاهره محمدی

چکیده

امام هادی (ع) در دوران امامتش شرایط و فضای سیاسی بسیار سختی در پیش داشت. عصر امام هادی (ع) از دوره‌های مهم گسترش و تثبیت تشیع بوده و مقاله‌ی حاضر با بهره‌گیری از روش مطالعات اسنادی و تحلیلی در منابع تاریخی آن دوره ارائه شده است. امام هادی (ع) به مدت ۳۳ سال هدایت معنوی و سیاسی شیعیان اثنی عشری را بر عهده داشتند. با تمرکز بر تاریخ اسلام، می‌توان جریان فکری و سیاسی دوران امامت امام دهم را ذیل سه جریان قرار داد: ۱- جریان عباسی؛ که پس از سقوط خلافت امویان اداره‌ی سرزمین‌های اسلامی را به دست گرفتند. آنان همانند علویان با شعار «الرضا من آل محمد» وارد رقابت سیاسی شدند و از لحاظ مبانی کلامی وابسته به اهل سنت بودند؛ ۲- جریان علوی؛ علویان گروهی بودند که با اصل کلامی امامت به میدان آمده بودند و هدف آنان براندازی حکومت عباسیان و قرار گرفتن خلافت به دست علویان بود؛ و ۳- جریان ملی‌گرایی؛ جریان ملی‌گرایی در زمان امام هادی (ع) به وجود آمد و به تیره‌ی حسن بن علی (ع) و امام حسین (ع) منتسب بودند. اندیشه‌ی سیاسی امام هادی (ع) و دشمنان اسلام کاملاً مشخص است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. تنگناهای سیاسی زیادی وجود داشت که امام هادی (ع) با آن‌ها مواجه بود و ایشان ضمن رعایت تقوای الهی و صداقت و یکرنگی، شایسته سالاری را در عرصه‌ی سیاست لازم و ضروری دانسته‌اند. مردم نیز باید آگاهانه و با اطلاعات کافی و داشتن روحیه‌ی نصیحت و خیرخواهی، بدون تعصب امورات زندگی خویش و حکومت خودشان را با راهبردهای سیاست متناسب ایشان در آن دوران اتخاذ می‌کردند.

کلمات کلیدی: امام هادی (ع)، عباسیان، روش شناسی، تربیتی،

۱. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته تفسیر و علوم قرآن از حوزه علمیه جامعۀ الزهرا (س) قم، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

somayeshrif1398@gmail.com

مقدمه

روش شناسی تربیتی هر کدام از معصومین دارای شرایط خاصی بوده است، از این رو اندیشه و عمل سیاسی ائمه (ع) باید ظرف زمانی خاصی مورد مطالعه قرار گیرد. امام هادی (ع) در عصری می‌زیست که در آن زمان پایه‌های حکومت عباسیان استوار گشته بود و خلفای این سلسله به عنوان حاکمان اسلامی، حکومت می‌کردند. تمام نظام‌های سیاسی و جریان‌های مخالف چالش‌گر در این دوران به وجود آمده بود و هر کدام مدعی حکومت خاصی بوده‌اند و جریان فکریشان بیشتر مشروعیت‌سازی نیز خود بوده و جریان حاکمان عباسیان را غاصب حکومت دانستند. در مقاله‌ی محمد علی چونگر (۱۳۹۶) در مجله‌ی تاریخ اسلام، سیاست امام هادی (ع) در برخورد با مسئله‌ی خلق قرآن خلق بررسی شده است، ولی در تحقیق حاضر به قید فکری و جریان شناسی اشاره شده است. همچنین، در مقاله‌ی بازشناخت نقش‌های سیاسی بانو حدیث همسر امام هادی (ع) از ناهید طیبی (۱۳۹۶) در مجله‌ی تاریخ اسلام به بازشناخت‌ها و نقش سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است و به جریان شناسی فکری و سیاسی امام هادی (ع) اشاره‌ای نشده است. همچنین، در مقاله‌ی سیره سیاسی امام هادی (ع) در مجله گنجینه‌ی معارف (۱۳۹۷)؛ سیره‌ی سیاسی امام هادی (ع) بررسی شده ولی به جریانات فکری اصلاً اشاره نشده است. به طور کلی می‌توان گفت قلمرو نوشتار این تحقیق بر روش شناسی تربیتی و سیاسی متمرکز بوده و قید فکری- تربیتی جریاناتی وجود دارد که دارای فکر و اندیشه نظامند و درگیر بازی سیاست و قدرت شده بودند.

این مقاله، قلمرو موضوعیش در روش شناسی تربیتی فکری و سیاسی بوده است. قید (فکری و سیاسی) به معنای آن است که اولاً دارای اندیشه‌ی نظامی و ثانیاً در عرصه‌ی بازی سیاست و قدرت بوده است. در زمان امام هادی (ع)، گروهی از احزاب بعضی اوقات برای منافع شخصی خود بدون مبانی فکری خاص دست به شورش می‌زدند. به طور کلی شناخت جریان‌های سیاسی در هر عصری فضای سیاسی حاکمیت آن دوره را تا حدودی روشن می‌کند و محور این تحقیق نیز

پاسخ به این سوال خواهد بود که در دوران امامت امام هادی (ع) چه جریان‌های فکری و سیاسی حضور داشته و آیا این جریان‌های فکری - سیاسی به معنای یک طیف گسترده‌ی کلامی - اعتقادی سیاسی بوده‌اند؟

۱. جریانات فکری و سیاسی زمان امام هادی (ع)

امام هادی (ع) علاوه بر مبارزه با حاکمان عباسی با جریان‌های منحرف فکری نیز مبارزه می‌نمود. آن حضرت با شش تن از خلفای عباسی معاصر بود. آنان به شدت امام هادی (ع) را زیرنظر داشتند و به اجبار ایشان را از مدینه به سامرا احضار نمودند تا آن حضرت نتواند با شیعیانش ارتباط داشته باشد. خلفای دوران امام هادی (ع) افرادی خوش‌گذران و ظالم بودند و تا آن‌جا که توانستند آن حضرت را در محدودیت قرار دادند تا نتواند در میان جامعه باشد و با آن‌ها ارتباط برقرار کند. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۱۷۶/۵۰) که البته این ظلم و ستم‌ها خود منشا نهضت‌ها و قیام‌هایی شد. امام هادی (ع) نیز علیرغم تمام محدودیت‌هایی که برای ایشان ایجاد نموده بودند، در هر فرصت مناسبی با استدلال‌های متین و مستند به قرآن و سنت به مقابله با عباسیان برخاست. علاوه بر این، در دوره‌ی امام هادی (ع) به سبب ارتباط با فرهنگ‌های بیگانه که از دوره‌های پیشین و نهضت ترجمه شروع شده بود، جامعه‌ی اسلامی شاهد بحران‌های فکری و عقیدتی بود که به اجمال به تبیین این جریان‌ها و شیوه‌ی صحیح برخورد امام هادی (ع) با آن‌ها که مبتنی بر استدلال به آیات قرآن و سنت معصومان است، پرداخته می‌شود.

در این عصر چندین جریان فکری و کلامی عمده همچون واقفیه، غلات، مفوضه، جبریه، صوفیه و مجسمیه، اشاعره و منتزله جامعه را بحران‌های فراوان عقیدتی - فکری مواجه ساخته بودند.

۲-۱. جریان‌های سیاسی و تربیتی

علیرغم کنترل مرکزیت سامرا و نظارت بر رفت و آمد و ارتباط با امام هادی (ع)، نهضت‌ها و شورش‌های اعتراض‌گونه به فساد و انحراف دستگاه خلافت در مناطق مختلف مشاهده شد، طوری که در فاصله‌ی سال‌های ۲۱۹ هجری تا ۲۷۰ هجری، ۱۸ قیام و شورش علوی و غیر علوی ثبت

شده است. اگر چه با کمی جمعیت انقلابیون و ضعف امکانات و ساز و برگ جنگی و قساوت دستگاه خلافت عباسی، تمامی این قیام‌ها با شکست مواجه شد.

امام هادی (ع) با شش تن از خلفای عباسی معاصر بود، متعصم در سال ۲۱۸ هجری قمری با مرگ مامون به خلافت رسید و تا سال ۲۲۷ هجری قمری حکمرانی کرد. معتصم بارها امام هادی (ع) را با سوال‌ها و مسائل بسیار مشکل و پیچیده آزمایش کرد ولی همیشه ائمه (ع) سربلند بودند و در مقابل هر سوالی به بهترین و کامل‌ترین شکل پاسخ می‌دادند. پس از درگذشت او، فرزندش «الواثق بالله هارون بن ابی اسحاق» به خلافت دست یافت. او در سنگدلی و بی‌رحمی روحیه‌ی مامون پدرش را پیش گرفته بود و جان افراد بسیاری را در مسئله‌ی حدوث یا قدم قرآن گرفت. در دوره‌ی واثق مسئله‌ی خلق قرآن مطرح شد و آن بهانه‌ای برای ریختن خون بسیاری از مخالفان حکومت شد. امام برای نجات شیعیان از افتادن در این فتنه نامه‌هایی به تعداد زیادی از بزرگان شیعه نوشت و ضمن اعلام نظر خود، دوستان و شیعیان خود را از داخل شدن در این فتنه بر حذر داشت. واثق سرانجام در سال ۲۳۲ هجری قمری درگذشت. (ابن ابی یعقوب، ۲: ۱۳۹۷/۵۱۰)

تقریباً نصف دوره‌ی امام هادی (ع) با خلافت متوکل معاصر بود. اگر چه همه‌ی خلفای بنی عباس در آزار و صدمه زدن به شخص امام و سازمان تشیع سعی زیادی داشتند ولی در این میان «متوکل» در ظلم و ستم به حضرت و سنگدلی گوی سبقت را از دیگران ربود. متوکل بسیار تندخو و بی‌رحم بود که همگان را با تندی خود می‌راند تا اندازه‌ای که هرگز محبت او به کسی دیده نشد، از این رو همواره همگان از او به بدی و بدنامی یاد می‌کردند (همان: ۲/۵۱۳). در این دوره شیعیان زیادی مقتول، مسموم یا متواری شدند. از دیگر جنایت‌های متوکل تخریب مرقد شریف امام حسین (ع) و تبعید امام هادی (ع) از مدینه به سامرا بود تا هم امام و ارتباط شیعیان را تحت نظر بگیرد و هم پایگاه مهم و قوی شیعه در مدینه را تضعیف کند. از دیگر جنایت‌های متوکل این بود که گاه به گاه به ماموران خود دستور می‌داد تا ناگهانی به خانه‌ی امام ریخته و بازرسی کنند به امید

آن که سلاح یا مدرکی دال بر فعالیت ایشان علیه حکومت به دست آورند، لیکن در این حمله‌های شبانه جز کتاب‌های علمی و دعا چیز دیگری یافت نشد.

گاهی متوکل فرمان می‌داد تا امام را در هر حالتی که هست به دربار بیاورند. «در یکی از این احضارها امام در حالی وارد شد که متوکل مست و لایعقل در کنار جام‌های شراب و در میان گروه‌های خنیاگر و رقاصه افتاده بود. امام بی‌توجه به خطرات احتمالی او را سرزنش کرد و در ضمن خواندن اشعاری به نصیحت‌گویی و یادآوری قیامت پرداخت. متوکل برآشفته و دستور داد آن حضرت را محبوس کنند». سپس شخصی از آن حضرت شنید که می‌گفتند: من از ناقه‌ی صالحه نزد خدا محترم‌ترم و سپس آیه‌ی «تمتعوا فی دارکم ثلاثه ایام ذلکو عد غیر مکذوب» را خواندند. پیش از ۳ روز نگذشت که متوکل به دست فرزندش منتصر به قتل رسید. پس از متوکل فرزندش منقصر به خلافت رسید اما او بر خلاف نیاکان خود به کارهای شایسته رغبت نشان می‌داد، هر چند دوران حکومت او به درازا نیانجامید و او را پس از شش ماه خلافت مسموم و به قتل رساندند (قمی، ۱۳۲۵: ۳۲۵/۲). پس از او «المستعین احمد بن محمد بن معتصم» روی کار آمد که سخت شهوت‌پرست و اسراف‌کار بود. (همان) دوران حکومت او نیز چندان به درازا نکشید و در سال ۲۵۲ هجری قمری به دستور معتز در سامرا به قتل رسید. (مسعودی، ۱۹۸۵: ۵۶۸/۲) سرانجام حکومت به دست معتز افتاد. معتز در دشمنی با آل محمد (ص) و قتل دشمنان خلافت معروف بود. او وجود نورانی امام هادی (ع) را برنتابید و در زمان او حضرت مسموم شد و به جهان باقی شتافت. همچنین، در این زمان عده‌ی زیادی از شیعیان به قتل رسیده یا آن قدر در زندان ماندند تا وفات کردند.

۳. شرایط زندگانی عصر امام هادی (ع)

شکل‌گیری جریان فکری- سیاسی شیعیان اثنی عشر را تا زمان امام هادی (ع) می‌توان پنج دره

برشمرد:

و تا مدت‌ها در جامعه‌ی اسلامی مطرح بود. (سیوطی، ۱۴۲۵: ۳۱۲) امام هادی (ع) مصلحت را سکوت در برابر این بحث و جدال فکری دید و مسلمانان را از چنین مباحث بیهوده‌ای بر حذر داشت. ایشان در پاسخ یکی از شیعیان بغداد توصیه نمودند که بحث و جدل درباره قرآن که آیا مخلوق است یا قدیم بدعتی است که سوال کننده و جواب دهنده در آن شریکند و فایده‌ای در این بحث نیست، زیرا پرسش کننده دنبال چیزی است و سزاوار او نیست و پاسخ دهنده نیز بی‌جهت خود را به زحمت و مشقت می‌افکند که بیرون از توان اوست. خالق، جز خدا نیست و به جز او همه مخلوق‌اند. قرآن کریم نیز کلام خداست و از پیش خود اسمی برای آن قرار مده که از گمراهان خواهی گشت. (صدوق، ۱۳۸۷: ۲۲۴)

۸-۷-۲. تازه بودن قرآن در همه‌ی زمان‌ها

يعقوب بن سڪيت نحوى مى‌گويد امام هادى (ع) فرمودند «ان الله تعالى لم يجعله لزمان دون زمان و لناس دون الناس، فهو فى كل زمان جديد و عند كل قوم غض الى يوم القيامة» (طوسی، ۱۴۱۵: ۵۸۰)، خدای سبحان قرآن کریم را برای زمان خاص بدون زمان دیگر و برای مردمی خاص بدون مردم دیگر قرار نداده است. از این روز قرآن تا قیامت در هر زمان نو و نزد هر ملتی تازه است.

۸-۷-۳. نهی قرآن از درخواست بیجا از پیامبران

امام هادی (ع) در تفسیر آیه‌ی «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (بقره/۱) فرمود: «ام تریدون»، یعنی بلکه ای کفار قریش و یهود شما از پیامبر خود همان معجزات پیشنهاد شده‌ای را که نمی‌دانید به صلاحتان است یا نه می‌خواهید که قبلاً آن را از موسی (ع) خواستند و به ایشان پیشنهاد کردند و گفتند که «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمْ» (بقره/۵۵)، ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا خدا را اشکار ببینیم پس صاعقه شما را فرا گرفت. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۴۷/۱۷)

۸-۷-۴. در حرمت میسر

ابراهیم بن عنبسه به امام هادی (ع) نوشت چنانچه سرور و مولایم مصلحت بداند بفرماید که مراد از «میسر» در آیه شریفه‌ی «يَسْتُلُونَكَ مِنَ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ». (بقره/۲۱۹) چیست؟ امام هادی (ع)

در پاسخ نوشت هر آنچه با آن قمار شود میسر است و هر مست کننده‌ای حرام است. (عیاشی، ۱۰۵/۱)

۸-۷-۵. سرزنش تشبیه کنندگان

از امام هادی (ع) درباره آیهی شریفه‌ی «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ». (زمر/۶۷) پرسیدم، فرمودند: خدای سبحان سرزنش کرده کسی را که او را به خلقتش تشبیه می‌کند، آیا نمی‌بینید که در صدر آیه می‌فرماید «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» و خدا را چنان که شایسته است نشناخته‌اند که می‌گویند «تمام زمین در روز قیامت، در قبضه‌ی اوست و آسمان‌ها پیچیده در دست راست او»، نظیر آنجا که خدای سبحان می‌فرماید: و خدا را آنچنان که شایسته است نشناختند که می‌گویند خدا چیزی را بر بشری نازل نکرده است. سپس خدای سبحان خود را از قبضه و یمین منزّه می‌شمارد و می‌فرماید: خداوند پاک و برتر است از آنچه با وی شریک می‌گردانند. (صدوق، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

۸-۷-۶. عصمت پیامبر (ص)

امام هادی (ع) درباره آیهی «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ» (فتح/۲) تا خداوند از گناه گذشته و آینده‌ی تو درگذرد. پرسیدند، فرمودند: پیامبر خدا (ص) کدام گناه گذشته و آینده‌ای دارد؟ این گناهان گذشته و آینده‌ی شیعیان علی (ع) است که خدا آن را بر دوش پیامبر (ص) می‌نهد و از همه به خاطر او در می‌گذرد. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۲۴/۲۷۳)

۸-۷-۷. زکات امام

به متوکل عباسی خبر دادند که امام هادی (ع) آیهی شریفه‌ی «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي...» (فرقان/۲۷) را بر خلیفه‌ی اول و دوم تطبیق می‌کند، متوکل گفت با او چه کار کنیم؟ گفتند، مردم را جمع کن و از او در حضور مردم بپرس اگر همان پاسخ را داد مردم به حسابش می‌رسیدند و اگر غیر آن را گفت نزد یاران خود رسوا می‌شود. متوکل همه قضات و بنی هاشم و یاوران خود را فراخواند و در جمع آن‌ها از امام هادی (ع) پرسید ایشان فرمودند: اینان کسانی هستند که خداوند با کنایه با ایشان سخن گفته و بر ایشان منت نهاده و عیبشان را پوشانده است،

آیا امیر می‌خواهد آن چه را خدا پوشانده، آشکار کند. متوکل گفت نه نمی‌خواهم. (مجلسی، ۵۰: ۱۳۸۸/۲۱۴)

۸-۷-۸. جواز خواندن کفار با کنیه

متوکل روی یک نویسنده‌ی نصرانی با نام ابا نوح را صدا زد و اطرافیان با کنیه خواندن اهل کتاب را جایز نشمردند. متوکل استفتا کرد و پاسخ‌های گوناگون را شنید از امام هادی (ع) نیز آن را پرسید. امام در پاسخ نوشت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ». (مسد/۱) متوکل فهمید که جایز است، زیرا خدا کافر را با کنیه خوانده است.

۸-۷-۹. خواص برخی آیات قرآن

شیخ طوسی نقل می‌کند که علی بن عمر عطار گفت در روز سه شنبه خدمت امام هادی (ع) رسیدم فرمودند تو را دیروز ندیدم عرض کردم: در روز دوشنبه حرکت به سوی مقصد را دوست ندارم. امام هادی (ع) فرمودند: ای علی! هر که می‌خواهد خدا او را از شر روز دوشنبه حفظ کند، در رکعت اول نماز صبح آن سوره‌ی «هل اتی» را بخواند. سپس امام هادی (ع) آیه‌ی «فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» (شیخ طوسی، بی تا: ۳۸۹) را خواندند. (انسان/۱۱)

۹. تعداد صحابه و شاگردان امام هادی (ع)

برخی از رجالیان تعداد شاگردان آن حضرت را در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی، ۱۸۵ نفر. (طوسی، بی تا: ۳۹۶) و برخی آنان را ۸۶ نفر (برخی: ۵۸/۱) (برقی، ۵۸/۱۴۳۳:۱) دانسته‌اند) معجم الرجال الحدیث آنان را ۲۱۸ و در کتاب مسند امام هادی (ع) ۱۸۰ نفر دانسته‌اند. برخی از شاگردان امام هادی (ع) از جمله افرادی مانند «عبدالعظیم حسنی»، «حسن بن سعید اهوازی»، «ابن سکیت اهوازی»، «ابوهاشم جعفری»، «اسماعیل بن مهران» و «علی بن مهزیار» از شاگردان امام جواد (ع) نیز بوده‌اند. در میان شاگردان امام هادی (ع) برخی از آنان مطالب تفسیری فراوانی را از امام فرا گرفته و نیز روایات تفسیری زیادی را از آن حضرت نقل نموده‌اند.

نتیجه گیری

دوران امام هادی (ع) از بدترین دوران‌هایی بود که شرایط و شیوه‌های فعالیت و مبارزه با حاکمان جور در آن دوران سخت و حساس بود. از ویژگی‌های اخلاقی و بارز امام هادی (ع) پایگاه مردمی است و چون دشمنان به اهمیت پایگاه امام هادی (ع) و نقش آن در تداوم حفظ امام واقف بودند، همواره سعی می‌کردند که مردم را از امام هادی (ع) دور نگه دارند و میان امت و امام جدایی بنیدازند. امام هادی (ع) برای حفظ اسلام و نیرومند کردن جبهه حق شیوه‌ی تقیه و فعالیت‌های خود را بیشتر به صورت تقیه پیش بردند.

۱- تثبیت و تبیین امامت: امام هادی (ع) موضوع امامت را در قالب‌های مختلف در برابر دولتمردان و در برابر مردم مطرح کرد.

۲- غیر مشروع دانستن حکومت عباسی: امام هادی (ع) همکاری مردم با دولت عباسیان را ضروری نمی‌دانست و نامشروع بودن حکومت را اعلام کرد.

۳- فراهم کردن زمینه‌ی غیبت امام زمان (عج): امام هادی (ع) با توجه به اطلاع و آگاهی که از تحولات زمان خویش و فرزندش امام حسن عسگری (ع) داشت می‌دانست نوه‌ی عزیزش در پشت پرده قرارخواهد گرفت و با دقت و احتیاط مردم را از این موضوع، مردم را برای پذیرش وجود امام زمان (عج) آماده می‌کرد.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

۱- ابن ابی یعقوب، احمد، (۱۳۹۷)، تاریخ یعقوبی، چاپ سوم، ج ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (بی تا) الذریعه الی تصانیف شیعه، بی جا.

۳- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۴۳۳)، علم رجال، جلد ۱، قم، نشر امام صادق (ع).

۴- خسرو پناه عبدالحسین، (۱۳۸۸)، جریان شناسی فکری ایران معاصر، تهران، تعلیم و تربیت اسلامی.

- ۵- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۲۵)، تاریخ الخلفاء، قم، انتشارات دارالمعرفه.
- ۶- طبرسی، احد بن علی بن ابیطالب، (۱۴۱۶)، الاحتجاج، چاپ دوم، قم، انتشارات اسوه.
- ۷- طقوش، محمد سهیل، (۱۳۸۰)، دولت عباسیان، قم، پژوهشگاه حوزه دانشگاه قم.
- ۸- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۸)، امالی، چاپ اول، قم، نشر اندیشه هادی.
- ۹- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۵)، رجال طوسی، قم، نشر منشور اسلامی.
- ۱۰- عاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، وسایل الشیعه، ج ۱۲، بیروت، دارالحیا التراث العربی.
- ۱۱- عمید، حسن، (۱۳۷۱)، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
- ۱۲- عیاشی، محمد بن سعود، (بی تا)، تفسیر العیاشی، ج ۱، قم، نشر مکتبه العلمیه السلمیه.
- ۱۳- قمی، شیخ عیاش، (۱۳۲۵)، تنها المنتهی الی اوقایه الامام خلفا، ج ۲، تهران، کتابخانه مرکزی.
- ۱۴- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۸)، بحارالانوار، چاپ ۵، قم، انتشارات اسلامی.
- ۱۵- شریفی، محمود، (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع سخنان امام هادی (ع)، قم، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، نشر بین الملل.
- ۱۶- مسعودی، علی بن حسین، (۱۹۸۵)، الشافعی، ج ۲، مروج الذهب، نشر بیروت.
- ۱۷- معارف اسلامی، (۱۳۸۷)، فعالیت فرهنگی و علمی امام هادی (ع)، ش ۷۴.
- ۱۸- هادی منش، ابوالفضل، (۱۳۸۳)، بررسی قیام‌ها و شورش‌های زمان امام هادی (ع)، پرتال علوم جامع انسانی، شماره ۱۲۹.